

نشانه‌شناسی تصاویر موجود در کتاب‌های فارسی و تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی

■ مهدخت بروجردی‌علوی*

■ فاطمه ارجمندفر**

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی تصاویر ارائه‌شده در کتاب‌های فارسی و تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی، از نظر کاربرد نشانگان جنسیتی در مورد مردان و زنان، انجام شده است و در حقیقت می‌خواهد بداند که این تصاویر، از نظر جنسیتی، چگونه بر ذهنیت دانش‌آموزان تأثیر خواهد گذاشت. در این پژوهش تصاویر کتاب‌های مورد بررسی براساس سه مفهوم «خانواده و نقش زن و مرد»، «همکاری» و «مادری» انتخاب شده و نتایج حاصل از بررسی نشانه‌شناسی آن ارائه می‌شود. روش مورد استفاده در این تحقیق «نشانه‌شناسی» و جامعه آماری آن کلیه کتاب‌های فارسی و تعلیمات اجتماعی چاپ شده در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ در دوره ابتدایی است. شیوه نمونه‌گیری تحقیق، نمونه‌گیری غیر تصادفی هدفمند است. بر این اساس کلیه تصاویری که در آن‌ها سه مفهوم «خانواده و نقش زن و مرد»، «همکاری» و «مادری» نشان داده شده، واحد تحلیل بوده است. نتایج به‌دست آمده از این تحقیق نشان داد که «خانواده» و «انسجام خانوادگی» موضوع محوری در تصاویر ارائه‌شده در این کتاب‌هاست. مادر نیز به‌عنوان یکی از ارکان خانواده همواره با مفهوم آرامش و با هاله‌ای از رنگ آبی که تداعی‌کننده آرامش است دیده می‌شود. پرداختن به موضوع خانواده به‌عنوان موضوعی که در جهان امروز در معرض بحران است و زیبا پرداختن به نقش مادری از نقاط قوت، و کمتر پرداختن به سایر نقش‌های اجتماعی و اقتصادی زنان از نقاط ضعف کتاب‌های درسی است.

کلید واژه‌ها:

کتاب‌های درسی، کلبشه‌سازی، نشانگان جنسیتی.

□ تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۶/۱۵

□ تاریخ شروع بررسی: ۹۲/۶/۳۱

□ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۷/۶

* استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی mbalavi36@yahoo.com

** فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد رشته مطالعات زنان، دانشگاه علامه طباطبائی

■ مقدمه و طرح مسئله

در هر جامعه، آموزش و پرورش عامل رسمی انتقال دانش و فرهنگ به نسل جوان آن جامعه است و وظیفه دارد ارزش‌هایی را مستقیماً و آگاهانه به کودک یا یادگیرنده منتقل نماید. گاهی در خلال این انتقال مستقیم ارزش‌ها، مسائل دیگری نیز می‌توانند منتقل شوند و یادگیرنده، ظاهراً برخلاف نیت برنامه‌ریزان، ارزش‌های دیگری را نیز دریافت می‌دارد (محسنی، ۱۳۵۴، ص. ۲۰).

از طرف دیگر از آنجا که نظام آموزش رسمی یک جامعه، وظیفه ثابت بخشیدن و حفظ میراث‌های آن را به عهده دارد، می‌توان فرض کرد که این نظام از یک سو منعکس‌کننده اوضاع فرهنگی جامعه است و از سوی دیگر دارای خصوصیتی است که نقش اجتماعی افراد آن فرهنگ را توصیف می‌کند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که نظام آموزش رسمی می‌تواند، هم جلوه‌گر وضع خاص یک جامعه و هم بازتاب خصوصیات منش فردی باشد که با آن خو گرفته و در آن فرهنگ احساس رضایت و آرامش دارد (محسنی، ۱۳۵۴، ص. ۲۵).

امروزه ثابت شده است که مدرسه، به‌عنوان یک گروه ثانویه، تأثیری مهم در اجتماعی کردن کودکان دارد. در مدرسه است که قواعد و هنجارها و ارزش‌های اجتماعی به افراد آموخته می‌شود. چراکه ارزش‌های القاشده در این دوره، در فرد درونی می‌شود و تا آخر عمر در او پایدار می‌ماند. این امر در مدرسه از طریق دوستان، همبازی‌ها، کلاس درس و معلم صورت می‌گیرد، و البته کتاب‌های درسی نیز در این مقوله نقشی مهم ایفا می‌کنند؛ زیرا این کتاب‌ها نه تنها آموزش می‌دهند بلکه در برداشت فرد از جامعه و ارزش‌ها و هنجارهای آن مؤثرند. به‌علاوه دانش‌آموزان از طریق کتب درسی با قواعد و هنجارها، نظام ارزشی، سلسله‌مراتب ارزش‌ها، طبقات اجتماعی و به‌طورکلی با پدیده‌های اجتماعی و گروه‌های مرجع مثبت و منفی آشنا می‌شوند (امیری، ۱۳۷۸، ص. ۱۲). از این‌رو می‌توان گفت کتاب‌های درسی از عوامل اصلی انتقال باورهای مورد قبول جامعه به فرد و مهم‌ترین عامل تربیتی تعیین‌کننده در نظام آموزش و پرورش‌اند و نقشی کلیدی در شکل دادن به نگرش دانش‌آموزان درباره هویت جنسی بازی می‌کنند؛ نقشی که به‌مراتب بیش از انتقال صرف اطلاعات به کودکان است. بخش قابل توجهی از فعالیت‌های آموزشی دانش‌آموزان در مدرسه حول محور کتاب‌ها و متون درسی است و چون دانش‌آموزان دوره ابتدایی بنابر مقتضیات سنی خاص خود، استعداد فراوانی برای یادگیری و تأثیرپذیری دارند این کتاب‌ها منشأ بسیاری از نگرش‌ها و باورهای آن‌ها و آموخته‌های آن‌هاست و از همین دوران در ذهن آنان نقش می‌بندد.^۱

استفاده از هنر در امر آموزش، محور اصلی آموزش‌های آموزش و پرورش مدرن است، از جمله به‌عنوان ابزاری برای فرهنگ‌سازی نقش مهم خود را در ارتقای کیفی کتاب‌های درسی ثابت کرده است. استفاده بجا از شعر، تصویر، رنگ، قطع مناسب و ... برای آموزش، نه تنها یادگیری را تسهیل می‌کند، بلکه تأثیری ماندگار بر ذهن دانش‌آموزان می‌گذارد.

هدف از انجام این پژوهش بررسی و تحلیل تصاویر درج شده در کتاب‌های درسی فارسی و تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی، از نظر چگونگی کاربرد نشانگان جنسیتی در مورد مردان و زنان براساس سه مفهوم «خانواده و نقش زن و مرد»، «همکاری» و «مادری» به منظور شناخت تأثیرات احتمالی این تصاویر بر ذهنیت کودکان است.

■ مبانی نظری

در این بخش رویکردها و نظریه‌های مربوط به حوزه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱. نظریه کارکردگرایی

مطابق این دیدگاه جامعه‌کلیتی متعادل و مشتمل بر اجزایی است که این اجزا با هم ارتباط متقابل دارند. هرکدام از این اجزا، کارکرد لازم و معینی را برای بقای کل نظام بر عهده دارند و پیوند و هماهنگی میان آن‌ها، یگانگی و یکپارچگی را به وجود می‌آورد. علی‌رغم تغییراتی که در اجزا و نهادهای اجتماعی اتفاق می‌افتد، همواره در آن تعادلی برقرار می‌شود که ثبات و پایداری نظام را تثبیت می‌کند. سرانجام توافق در نظام از طریق جامعه‌پذیری به اعضا حاصل می‌گردد (علاقه‌بند، ۱۳۷۴، ص ۱۲۸). نظام آموزشی نیز به‌عنوان جزئی از نظام اجتماعی کل در نظر گرفته می‌شود؛ بنابراین با عناصر دیگر و با کل نظام ارتباط متقابل دارد و دارای کارکردهایی مانند انتقال فرهنگی و جامعه‌پذیری است.

در بین کارکردگرایان مهم‌ترین نظریات مربوط به خانواده و نقش‌های زن و مرد مربوط به پارسونز است. پارسونز وظایف و ساخت خانواده و نقش‌های زن و مرد را در رابطه با هم مورد تحلیل قرار داده است. او معتقد است برای اینکه خانواده بتواند از عهده وظایف و کارکردهای خود برآید و نظام خانوادگی حفظ شود، باید نقش‌های زن و مرد از هم تفکیک گردد. به نظر او همان‌طور که نظام اجتماعی در مجموع براساس تفکیک و تخصص است، در خانواده نیز، که خورده نظامی از نظام کل است؛ تفکیک و تخصص زن و مرد ضرورت دارد. بدین ترتیب مرد باید دارای شغل و نان‌آور باشد و زن باید به امور خانه و فرزندان رسیدگی کند.

پس بنابر دیدگاه پارسونز، آنچه لازم است کودکان در فرایند اجتماعی شدن بیاموزند تقسیم‌کار و جدایی نقش زن و مرد است و بدین منظور دختران و پسران باید به‌گونه‌ای متفاوت اجتماعی شوند تا هماهنگی نظام خانواده حفظ شود.

۲. نظریه ستیز

برخلاف نظریه کارکردگرایی که بر یگانگی و ثبات اجتماعی تأکید می‌کنند، در نظریه ستیز، مبارزه و قدرت منبع پویایی اصلی زندگی اجتماعی به‌شمار می‌رود. این دیدگاه الهامات خود را از مارکس می‌گیرد که معتقد بود نبرد بین طبقات اجتماعی نیروی محرک

تاریخ و منبع عمده دگرگونی است. البته در این نظریه توجه اصلی معطوف و منحصر به نبرد طبقاتی نیست، بلکه توجه اصلی به تضاد میان گروه‌ها و صاحبان منافع در هر جامعه، یعنی واقعیت زندگی است.

در نظریه‌های ستیز جامعه به دو گروه سلطه‌گر و سلطه‌پذیر تقسیم می‌شود. گروه مسلط از امتیازات قدرت، ثروت و سیطره بر منابع مادی جامعه برخوردار است. این امتیازات چیزهایی است که در نظر مردم مطلوب ولی کمیاب است و گروه تحت سلطه فاقد آن‌هاست. گروه سلطه‌گر با تحمیل جهان‌بینی، ارزش‌ها، هنجارها و انتظارات خود بر گروه تحت سلطه، آنان را به همکاری با خودش وادار می‌کنند. گروه تحت سلطه نیز همواره تلاش می‌کند سهمی از قدرت و ثروت را به دست آورد و به همین دلیل تهدیدی دائمی برای ثبات اجتماعی موجود به‌شمار می‌آید. این نظام نمی‌تواند برای همیشه دوام آورد و مدام در حال تغییر و حتی در معرض پریشانی است. پیروان این رویکرد، آموزش و پرورش را به منزله نوعی ابزار جامعه سرمایه‌داری تلقی می‌کنند؛ یعنی کسانی که بر نظام‌های آموزشی تسلط دارند، از طریق آن افراد جامعه را در جهت مقاصد خود تربیت می‌کنند (علاقه‌بند، ۱۳۷۴، ص. ۱۲۹).

۳. نظریه تعامل‌گرایی

رویکرد این نظریه به چگونگی تعامل میان افراد است. افراد متعلق به یک فرهنگ، با وجود تفاوت‌هایشان، دنیای پیرامون خود و بسیاری از موقعیت‌های اجتماعی آن را یکسان معنا می‌کنند؛ زیرا از جامعه‌پذیری و تجربیات یکسانی برخوردارند.

در این دیدگاه، کنش متقابل پایه زندگی اجتماعی است و جامعه در نهایت از طریق رفتار اجتماعی مردم به وجود می‌آید و حفظ یا دگرگون می‌شود (رابرتسون، ۱۳۷۷، ص. ۴۰).

همچنین انسان‌ها نمادها و معانی را طی کنش متقابل اجتماعی فرامی‌گیرند. «نماد» عبارت است از چیزی که به عنوان «نشان» چیز دیگری یا نماینده آن به کار برده شود (گیدنز، ۱۳۷۶، ص. ۸۱۲). کنش متقابل نمادی، کنشی است که از طریق نمادها به‌طور متقابل بین مردم صورت می‌گیرد. درحالی‌که افراد در برابر نشانه‌ها بدون تفکر واکنش نشان می‌دهند، در برابر نمادها به شیوه‌ای متفکرانه عکس‌العمل نشان می‌دهند. نشانه‌ها قائم به ذات‌اند، اما نمادها نشانه‌هایی اجتماعی‌اند که برای آن به کار برده می‌شوند تا آنچه را مردم درباره بازنمود آن توافق دارد، باز نمایند (ریترز، ۱۳۸۴، ص. ۲۸۴).

اینکه افراد نمادها را چگونه معنا کنند و در برابر آن‌ها چگونه عکس‌العمل نشان دهند، بسته به فرهنگ و نحوه اجتماعی شدنشان، متفاوت است.

یکی از کارکردهای آموزش و پرورش نیز همین اجتماعی کردن افراد است. آموزش و پرورش با استفاده از ابزارهایی مانند کتاب‌های درسی، در قالب داستان، تصویر و شعر آنچه را می‌خواهد به کودکان می‌آموزد. ممکن است محتوای کتب درسی به شکلی باشد که اگرچه شاید در نگاه اول به نظر نیاید، دختران و پسران را به شیوه متفاوت متفاوت جامعه‌پذیر کند.

۴. نظریه یادگیری اجتماعی

نظریه یادگیری اجتماعی بر این تأکید دارد که نقش‌های جنسیتی، مانند بسیاری از مفاهیم و رفتارها، از طریق مشاهده فرا گرفته می‌شوند.

بر اساس نظریه‌های یادگیری اجتماعی، تقویت چه به صورت مستقیم، به شکل تشویق‌ها و تنبیه‌ها، و چه به صورت غیرمستقیم، از طریق مشاهده، ابزار اولیه‌ای است که کودکان به واسطه آن رفتارهای شایسته جنسیتی را دریافت می‌کنند (سفیری و ایمانیان، ۱۳۸۸، ص. ۵۰).

در واقع می‌توان این‌گونه گفت که کودکان آنچه را در کتاب درسی می‌بینند یا آنچه را از طریق کتاب درسی می‌آموزند، رفتار شایسته تلقی می‌کنند. در صورتی که رفتار فراگرفته شده تشویق شود، آن رفتار، تقویت‌شده و درونی می‌شود. پس می‌توان گفت یادگیری از دو طریق اتفاق می‌افتد؛ یکی اینکه کودک به صورت غیرمستقیم و از طریق مشاهده عملی را فراگیرد و دیگر اینکه به صورت مستقیم از طریق تشویق و تنبیه، درستی یا نادرستی را بیاموزد.

■ جمع‌بندی مباحث نظری

از طریق بررسی مبانی نظری، می‌توان به چرایی و فلسفه استفاده از تصاویر در کتاب‌های درسی پاسخ گفت. بر اساس «نظریه کارکردگرایی»، زن و مرد هرکدام دارای تخصص و وظایف تعریف‌شده‌ای هستند. پس یک محقق می‌تواند با پژوهش بدانند که آیا این امر در کتاب‌های درسی نیز متجلی شده است یا نه؟ بر اساس «نظریه ستیز»، مردان گروه سلطه‌گر و زنان گروه سلطه‌پذیر هستند و آموزش و پرورش هم در خدمت گروه سلطه‌گر قرار دارد. محقق با طرح این نظریه، می‌تواند سؤال کند که آیا به‌واقع، تصویر مردان در کتاب‌های درسی تصویری سلطه‌گرانه است؟ در نظریه‌های «تعامل‌گرایی» و «یادگیری اجتماعی» به چگونگی تأثیرپذیری کودکان و نحوه شکل‌گیری نگرش آنان پرداخته می‌شود. نظریه تعامل‌گرایی، کتاب‌های درسی را یکی از عوامل جامعه‌پذیری معرفی می‌کند و نظریه یادگیری اجتماعی بر مشاهده به‌عنوان ابزار یادگیری تأکید دارد. از میان نظریه‌های فوق، «نظریه کارکردگرایی» چارچوب نظری تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهد.

■ روش تحقیق

روش مورد استفاده در این پژوهش نشانه‌شناسی است. نشانه‌شناسی یکی از روش‌های تحلیل متن است. در تحلیل محتوا از روش‌های کمی برای تحلیل «محتوای» متون استفاده می‌شود، اما نشانه‌شناسی به دنبال تحلیل متون در حکم کلیت‌های ساختمان‌د و در جست‌وجوی معناهای پنهان و ضمنی است. در این باره چندلر (۲۰۰۲/۱۳۸۶، ص. ۳۳) به معانی ضمنی یا پنهان متون اشاره می‌کند و می‌گوید که «بی‌شک این معانی در لایه‌های زیرین متون جریان دارند و لذا به نشانه‌شناسی نیاز داریم تا با استفاده

از عناصر ظاهری و بافت شکل‌دهنده متون این معانی را استخراج کند.»

الگوی مورد استفاده در این پژوهش در وهله اول الگویی است که سوسور ارائه می‌کند: سوسور یک الگوی «دوتایی» یا دویخشی را برای نشان دادن نشانه پیشنهاد می‌کند. او با تمرکز بر نشانه‌های زبانی (مثل کلمات) نشانه را مرکب از یک «دال» و یک «مدلول» می‌داند. دال شکلی است که نشانه به خود می‌گیرد و مدلول مفهومی است که نشانه به آن ارجاع می‌شود. در الگوی سوسوری نشانه یک کل است که از اتصال دال به مدلول نتیجه می‌شود. رابطه دال و مدلول «دلالیت» نام دارد. مثلاً کلمه «باز» بر در ورودی یک فروشگاه نشانه‌ای است مرکب از:

یک دال: کلمه «باز»

یک مدلول (مفهوم): که فروشگاه برای خرید باز است.

نشانه باید هم حاوی دال و هم حاوی مدلول باشد. هرگز نمی‌توان یک دال بی‌معنا یا یک مدلول بدون صورت در اختیار داشت. هر نشانه ترکیب مشخصی از یک دال با یک مدلول خاص است.

همچنین الگوی ارائه‌شده از سوی جان فیسک نیز به‌عنوان الگویی که به مطالعه عمقی نشانه‌ها می‌پردازد مورد استفاده است. تقسیم‌بندی جان فیسک در کتاب «فرهنگ تلویزیون» تقسیم‌بندی مناسبی در بررسی رموز رسانه است. از نظر فیسک یک متن رسانه‌ای در سه سطح رمزگذاری شده است. او رمز را نظامی از نشانه‌های قانون‌مند که همه‌آحاد یک فرهنگ به قوانین و عرف‌های آن پایبندند می‌داند. این نظام مفاهیمی را در فرهنگ به‌وجود می‌آورد و اشاعه می‌دهد که موجب حفظ آن فرهنگ است. رمز حلقه واسط بین پدیدآورنده متن و مخاطب است و نیز حکم عامل درونی متن را دارد (فیسک، ۱۳۸۰).

فیسک رمزها را در سه طبقه یا سه سطح دسته‌بندی کرده است:

۱. سطح اول، واقعیت (رمزگان طبیعی) است. این رموز از زندگی اجتماعی یا فرهنگ سرچشمه می‌گیرند و در الگوهای رفتاری شناخته‌شده نظیر نحوه لباس پوشیدن، سخن گفتن، تزیین محیط و فضا نمود می‌یابد. به عبارت دیگر در این سطح، واقع‌ای که قرار است از طریق رسانه نشان داده شود- مثل تصویری که در یک کتاب نمایش داده می‌شود- پیشاپیش با رمزهای اجتماعی رمزگشایی شده است.

این رمزگان ویژه بیان‌سینمایی نیست بلکه در گستره زندگی اجتماعی وجود دارد. شاید بهتر باشد عنوان رمزگان «معناشناسیک» را به آن بدهیم. «دال‌هایی که مدلولشان از پیش معلوم شده است.» (احمدی، ۱۳۸۸، ص. ۱۳۰۰) مخاطب پیشاپیش آن‌ها را می‌داند. رمزگان فرهنگی چنان جا افتاده است که عادی و طبیعی به نظر می‌آید. درک این رمزگان برای کسانی آسان است که در گستره فرهنگ خاصی رشد یافته‌اند که متن رسانه‌ای (فیلم یا تصویر یا ...) به آن تعلق دارد، اما برای کسانی که بیرون از این گستره آموزش دیده‌اند شناخت معنای بی‌شماری از نشانه‌ها دشوار و حتی ناممکن است (ص. ۱۳۱).

فیسک (۱۹۹۰) در رابطه با رمزهای اجتماعی، یا سطح واقعیت، معتقد است که حضور انسان‌ها در زندگی واقعی همواره حضوری رمزگذاری شده است. به سخن دیگر ادراک ما از اشخاص مختلف براساس ظاهرشان طبق رمزهای متعارف در فرهنگمان شکل می‌گیرد. وی اشاره می‌کند که طبقه‌بندی این رمزها براساس مقوله‌هایی دلبخواه و انعطاف‌پذیر صورت گرفته کما اینکه سطح‌بندی رمزها در این سلسله‌مراتب نیز همین‌طور است. نکته مهمی که از رمز اجتماعی می‌توان برداشت کرد این است که واقعیت پیشاپیش رمزگذاری شده است. به بیان دیگر، فقط به وسیله رمزگان فرهنگمان است که می‌توانیم واقعیت را درک و فهم کنیم. چه بسا واقعیت عینی و تجربی وجود داشته باشد اما هیچ شیوه جهان‌شمول یا عینی برای ادراک و فهم آن وجود ندارد. در هر فرهنگی آنچه واقعیت تلقی می‌شود محصول رمزگان همان فرهنگ است؛ بنابراین، واقعیت همواره از قبل رمزگذاری شده است و واقعیت محض وجود ندارد (خوش‌نظر، ۱۳۹۰، ص. ۳۹).

۲. سطح دوم بازنمایی (رمزگان فنی) است. این رمزگان ویژه هر نظام خاص و معین نشانه‌شناسیک است. مثلاً علائم نوشتاری هر زبان به کار نظامی دیگر نمی‌آیند. یا مانند علائم نوشتاری موسیقی (نت) که رمزگان تخصصی موسیقی هستند. یا مواردی مانند حرکات دوربین و سکانس، تدوین و ... که رمزگان تخصصی سینما هستند (احمدی، ۱۳۸۸، ص. ۱۳۱).

در این سطح رمزهای اجتماعی توسط رمزهای فنی و با کمک دستگاه‌های الکترونیکی رمزگذاری می‌شوند. به عبارت دیگر این سطح برای یک فیلم شامل مواردی چون زمان و مکان، وسایل صحنه، بازیگران، نورپردازی، روش تصویربرداری و ... است که در نحوه نگرش و دقت مخاطب به ظرافت دیداری - شنیداری یک متن رسانه‌ای مؤثرند. این رمزگان به مدد دستگاه‌های الکترونیکی بر رمزهای اجتماعی اعمال می‌شوند تا رویدادهای موردنظر به بیننده انتقال یابد. انتخاب زاویه و به کارگیری حالت کانونی عمیق در تصویربرداری باعث می‌شود که بیننده به صحنه اشراف داشته باشد و به همین دلیل آن را کاملاً دریابد. همچنین انتخاب نوع نماها می‌تواند در ایجاد حس مثبت یا منفی نسبت به شخصیت‌ها تأثیرگذار باشد» (راوودراد، ۱۹۹۰، به نقل از فیسک، ۱۳۸۰).

واقعیه‌ای که قرار است به صورت متن رسانه‌ای (تصویر) درآید برای اینکه رنگ واقعیت به خود بگیرد بایستی از قبل با رمزهای اجتماعی مثل لباس، محیط، گفتار و ... رمزگذاری شود، یعنی سطح «واقعیت»؛ و برای اینکه از طریق رسانه قابل انتشار گردد از فیلتر «بازنمایی» یا رمزهای فنی نظیر نورپردازی، رنگ‌آمیزی و ... می‌گذرد. اما کارکرد مهم دیگر رمزگان فنی کمک به مؤلف در اعمال قصد و غرایض خود در اثر ارتباطی و بازنمایی مفاهیم به شیوه‌ای مطابق با میل و خواسته خود است.

۳. سطح سوم رمزگان عقیدتی یا (ایدئولوژیک) است؛ یعنی رمزهای ایدئولوژی، عناصر فوق را در مقوله‌های اجتماعی مانند فردگرایی، پدرسالاری، نژاد، طبقه، سرمایه‌داری و ... قرار می‌دهند. رمزهای انتزاعی ایدئولوژیک به صورت مجموعه‌ای از رمزهای اجتماعی عینی در یکدیگر ادغام

می‌شوند. به عبارتی عینیت رمزهای اجتماعی تضمینی است برای حقیقی و طبیعی بودن رمزهای ایدئولوژیک. باید توجه داشت که برخی از رمزهای ایدئولوژیک صریح‌تر از رمزهای دیگر هستند. رمزهایی مانند دلآوری، تبهکاری و جذابیت به‌طور نسبتاً آشکار و قابل قبولی عمل می‌کنند اما رمزهای اجتماعی نژاد و اخلاق وضوح کمتری دارند و تردیدبرانگیزند. (فیسک، ۱۹۹۰، به نقل از خوش‌نظر، ۱۳۹۰)

جان فیسک هدف نشانه‌شناس را دستیابی به این سطوح مختلف معرفی می‌کند؛ یعنی نشانه‌شناس باید از طریق رسیدن به سطح اجتماعی، بازنمایانه و ایدئولوژیک نشان دهد که چگونه یک تصویر با کمک گرفتن از این رمزگان‌های مختلف واقعیتی اجتماعی را طبیعی و عادی جلوه می‌دهد. وظیفه نشانه‌شناس آن است که نشان دهد واقعیت همیشه رمزگذاری شده (فرهنگی و فنی) است و واقعیت محضی وجود ندارد. بلکه آنچه به‌عنوان واقعیت ارائه می‌شود و طبیعی به‌نظر می‌رسد محصول رمزهای ایدئولوژیک است. برای مثال از نظر فیسک «فیلمی که سرقت اموال را به‌صورت عملی تبهکارانه بازنمایی می‌کند در واقع رمزهای ایدئولوژی سرمایه‌داری را به تماشاگران ارائه می‌دهد» (همان منبع). در مقاله فیسک وی ابتدا به بررسی رموز فنی متن رسانه‌ای (فیلم) می‌پردازد و سپس لایه‌لایه از سطح اجتماعی به ایدئولوژیک حرکت می‌کند و نشان می‌دهد که برای مثال نوع چهره‌پردازی چگونه زیرکانه و دقیق رمزهای ایدئولوژیک دارد و به بازنمایی ارزش‌های فرهنگی جامعه می‌پردازد. کار ما نیز در این پژوهش شبیه به همین شیوه است یعنی با پرداختن و دستیابی به رموز فنی تصاویر موردنظر در کتب درسی، به سطح عمیق‌تر یک متن که همان ایدئولوژی است دست می‌یابیم.

توجه به روابط «همنشینی» و «جانیشینی» به‌عنوان اصول اصلی تحلیل نشانه‌شناسانه

در نشانه‌شناسی همه‌چیز به‌صورت نظامی از نشانه‌هاست و برای تحلیل آن باید به رابطه میان یک نشانه و سایر نشانه‌های موجود در متن و خارج متن پرداخت. از نظر سوسور معنا حاصل تمایز میان نشانه‌هاست که این تمایزها خود بر دو نوع‌اند. روابط همنشینی (توجه به تمایز نشانه‌ها در درون یک متن) و روابط جانیشینی (توجه به تمایز نشانه‌های یک متن و نشانه‌هایی که خارج از آن متن قرار دارند). در یک متن فیلمی، جانیشینی به این معناست که چه چیزهایی را باید برای صحنه انتخاب کرد. برای مثال تغییر پلان‌ها، تغییرات صحنه، کات، فید و ... نمونه روابط جانیشینی در یک متن فیلمیک است. روابط همنشینی در این متن‌ها به این معناست که این عناصر را چگونه باید با هم تلفیق کرد (آقاجانی، ۱۳۸۵).

به‌عبارت دیگر رابطه میان حضور یک نشانه در یک متن یا غیاب نشانه‌ای دیگر همان رابطه جانیشینی است و نحوه ترکیب نشانه‌های حاضر در آن متن رابطه همنشینی. توجه به این نکته ضروری است که برای فهم معنای متن، تحلیل روابط همنشینی و جانیشینی باید

به‌طور همزمان صورت گیرد. به‌طور کلی هم تحلیل عمودی (جاننشینی) و هم تحلیل افقی (همنشینی) نشانه‌ها را بخشی از یک نظام می‌شناسد و بنابراین کارکرد آن‌ها را در چارچوب رمزگان و رمزگان‌های فرعی واکاوی می‌کند. نباید فراموش کرد که تحلیل یک متن به‌طور کلی متضمن بررسی نظام در کلیت آن است (ضمیران، ۱۳۸۲، ص. ۸۵).

همان‌طور که گفته شد تحلیل جاننشینی مبنی بر «غیاب» است؛ یعنی تحلیل عناصر حاضر در متن در ارتباط با عناصر غایب در متن. به‌طور کلی تحلیل مبتنی بر عامل جاننشینی متضمن قیاس، تطبیق و بررسی ناهمانندی‌های هر یک از دال‌های حاضر در متن با دال‌های غایب که در شرایط واحد قابل‌گزینش بوده‌اند است. می‌توان این تحلیل را در هر سه سطح نشانه‌شناسی، از واژه‌ها گرفته تا آواها، تصاویر، سبک، نوع و ابزار به کار گرفت. (ص. ۸۷)

در محور همنشینی توجه به این نکته مهم است که ارزش هر عنصر در یک متن در رابطه با سایر عناصر در یک زنجیره از عناصر معنایی است. این به این مفهوم است که رابطه هم‌سازی و زنجیره‌ای رابطه‌ای حضوری است. به عبارتی رابطه دو یا چند عنصر، با حضور رشته‌ای از عناصر قابل‌تعریف است (ص. ۱۰۸).

باید به این نکته توجه کرد که در رمزگشایی دقیقاً مطابق با الگوهای روش‌شناسانه پیش می‌رویم و از دخالت دادن هرگونه قضاوت شخصی و برداشت فردی دوری می‌کنیم. نکته دوم که در ادامه نکته اول ضروری است این است که باید به دو مفهوم «معنای ضمنی» و «معنای آشکار» یک نشانه در زمینه دستیابی به معنی هر متن توجه کرد. معنی آشکار همان معنایی است که در وهله اول از کلمه، تصویر، صدا و ... به ذهن متبادر می‌شود؛ و معنای ضمنی به قول بارت آن معنایی است که در ورای معنای ظاهری وجود دارد و بیشتر به ارزش‌های نهفته یک متن بازمی‌گردد.

لئونارد بلومفیلد در بحث از نشانه‌های زبان‌شناسیک نوشته است که نشانه تنها یک دلالت معنایی ندارد بلکه هر دال فقط سازنده یک مدلول نیست، به همین دلیل می‌توان پیام را فراتر از معناهای از پیش نهاده و نیت‌گون تأویل کرد. بنابر موقعیت‌های زبان‌شناسیک از یک سو و موقعیت‌های اجتماعی، تاریخی، فرهنگی و روان‌شناسی از سوی دیگر، هر دال می‌تواند سازنده مدلول‌های ضمنی نیز باشد (احمدی، ۱۳۸۸، ص. ۵۴).

بنابراین هر متن دارای معانی آشکار و ضمنی است که معنای ضمنی آن با توجه به زمینه‌های مختلف متفاوت است. منظور از رمزگشایی نیز دستیابی به این معنای ضمنی است. متن تصویری نیز چندمعنایی است و چه بسا معانی مستفاد شده از آن توسط مخاطب خلاف نیت و اهداف مؤلف باشد. البته این بدان معنا نیست که متن‌ها بر روی هر قرائتی باز هستند بلکه باید گفت در حیطه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی خاصی قرائت‌های مختلفی از یک متن صورت می‌گیرد (آقاجانی، ۱۳۸۵).

برای نشانه‌شناسی تصاویر کتب درسی، از میان نظام‌های نشانه‌ای متفاوت (آوایی، موسیقایی،

زبان‌شناسانه گفتاری، زبان‌شناسانه نوشتاری، حرکتی، تصویری) تنها نظام نشانه‌های تصویری در این پژوهش مدنظر قرار می‌گیرد.

تصویر متشکل از نشانه‌هایی است که نشان‌دهنده نسبت دال یا واحدهای تصویری با معانی ذهنی‌اند. نکته مهمی که در مورد تصویر باید اشاره کرد این است که تصویر یک سازه محسوب می‌شود. این بدان معناست که همه متون رسانه‌ای از زبان خاص رسانه استفاده می‌کنند، یعنی در ایجاد یک تصویر، سازنده آن دست به انتخاب‌های خاصی می‌زند (روابط جانشینی) و این انتخاب‌ها به منزله رمز توصیف شده‌اند. همین رمزها هستند که زبان رسانه را پدید می‌آورند (آقاجانی، ۱۳۸۵). مثلاً رنگ یکی از مشخصه‌های مهم تصاویر است. در بسیاری از مواقع استفاده از رنگ‌های خاص در فیلم و نوع کاربرد آن‌ها مشخصه مؤلف خاص یا دوره خاصی است.

■ جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش کلیه تصاویر کتاب‌های فارسی «بخوانیم» و تعلیمات اجتماعی چاپ شده در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ در دوره ابتدایی است. بدیهی است، با توجه به موضوع پژوهش، تنها تصاویری که به نوعی مرتبط با سه مفهوم «خانواده و نقش زن و مرد»، «همکاری» و «مادری» بوده‌اند مورد تحلیل قرار گرفته‌اند و به تبع آن، تصاویری که با موضوعات موردنظر این پژوهش ارتباطی نداشته‌اند از دایره بررسی حذف شده‌اند.

■ نحوه نمونه‌گیری

شیوه نمونه‌گیری در تحقیق حاضر، نمونه‌گیری غیر تصادفی هدفمند است. در نمونه‌های هدفمند (که به آن‌ها نمونه‌های قضاوتی نیز گفته می‌شود) پژوهشگر واحدهای نمونه‌گیری را به صورت ذهنی و با هدف قبلی انتخاب می‌کند. اگرچه این روش انتخاب، متضمن معرف بودن نیست، اما اطلاعات سودمندی را ارائه می‌کند. بر این اساس کلیه متون و تصاویری که در آن‌ها به نوعی به روابط زن و مرد اشاره شده واحد تحلیل خواهد بود.

■ پایایی و روایی تحقیق

برای سنجش پایایی و روایی در تحقیقات کیفی می‌توان به کار میکوت و مورهاوس (۱۹۹۴) اشاره کرد. آنان به جای تأکید بر پایایی و روایی، قابلیت اعتماد^۲ طرح‌های پژوهش کیفی را مطرح می‌کنند.

آنان چهار عامل را که به مدد آن‌ها اعتمادسازی می‌شود چنین خلاصه می‌کنند:

۱. استفاده از چند روش برای گردآوری داده‌ها، این موضوع شبیه به مفهوم مثلث‌سازی است. استفاده از مصاحبه در کنار مشاهده میدانی و تحلیل اسناد موجود، نشانگر آن است که موضوع

مورد بررسی از چند منظر گوناگون بررسی شده است و قابل اعتمادتر است.

۲. **بازرسی مسیر کسب اطلاعات**، که اساساً به معنای ثبت مداوم داده‌های اصلی به کاررفته در تحلیل و توضیحات پژوهشگر و روش‌های تحلیل است. مسیر بازرسی مدارک تحقیق به دیگران اجازه می‌دهد تا فرایندهای فکری حاکم بر کار را بازبینی و نتایج را مستقلاً ارزیابی کنند.

۳. **واریسی از سوی افراد تحت بررسی**، در این روش از شرکت‌کنندگان در پژوهش خواسته می‌شود تا یادداشت‌ها و نتیجه‌گیری‌های محقق را بخوانند و درباره آن قضاوت کنند.

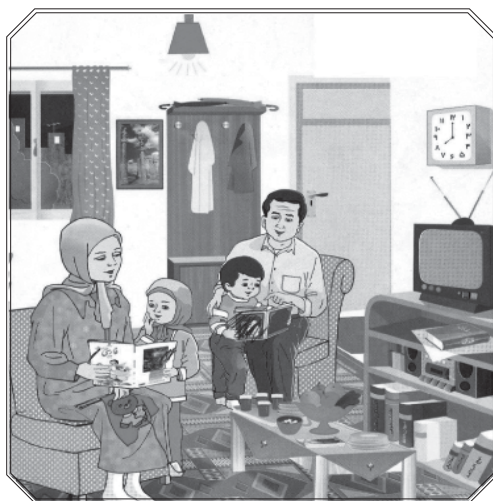
۴. **گروه پژوهشی**، در این روش فرض می‌شود که اعضای گروه پژوهشی، هنگام تفسیر داده‌های خود بر صداقت و دقت یکدیگر نظارت داشته‌اند. گاه از یک شخص بیرونی خواسته می‌شود تا فرایند مذکور را مشاهده کند و در مورد سوگیری‌ها و سوء تفسیرهای احتمالی سؤال کند (ویمر و دومینیک، ۱۳۸۴).

در پژوهش حاضر، با استفاده از مفاد بند ۳ از دو معلم دوره ابتدایی و دو مادر خانه‌دار خواسته شد تا نظرات خود را در مورد تصاویر بیان کنند. به منظور جلوگیری از ایجاد ذهنیت در آنان، ابتدا تصاویر به افراد نشان داده می‌شد و سپس نظرات آنان با تحلیل‌های محقق مقایسه می‌شد. با توجه به اینکه تشابه زیادی بین نظرات آنان با نظر محقق وجود داشت، می‌توان به پایایی تحقیق اطمینان کرد.

■ یافته‌های تحقیق

همان‌طور که گفته شد تصاویر کتاب‌های مورد بررسی براساس سه مفهوم «خانواده و نقش زن و مرد»، «همکاری» و «مادری» انتخاب شده و نتایج حاصل از بررسی نشان‌شناسی آن ارائه می‌شود:

کتاب فارسی اول ابتدایی - نگاره اول - ص. ۲



الف. مفهوم خانواده و نقش زن و مرد

در نگاره اول کتاب فارسی سال اول ابتدایی، با تصویری از یک خانواده مواجه می‌شویم:

در این تصویر هریک از پدر و مادر، به ترتیب، در حال خواندن یا نشان دادن کتاب به دختر و پسرشان به نام‌های آزاده و امین هستند. اسامی انتخاب‌شده برای این دختر و پسر، دارای بار ارزشی ملی - میهنی و مذهبی است. در این تصویر مادر، کتاب فارسی اول ابتدایی را در دست دارد و درحالی که یک

لباس نیمه بافته‌شده بر روی پایش قرار دارد، به امور درسی دخترش رسیدگی می‌کند. پدر نیز کتابی غیردرسی را برای پسرش می‌خواند. قرار داده شدن لباس نیمه‌بافته بر روی پای مادر را می‌توان نوعی کلیشه دانست. کلیشه‌ای که ذهن را محدود به این می‌کند که زنان در وقت فراغت بافتنی می‌بافند. درحالی‌که طبق اصل جانشینی می‌توان به جای لباس نیمه‌بافته روی پای مادر شکل کتابی را کشید. با استفاده از الگویی که فیسک ارائه کرده است، باید گفت ظاهر اتاق ساده همراه با مبلمان ساده و نه مدرن، و درعین حال نشان‌دهنده خانه‌ای ایرانی - اسلامی است. حضور عناصر ملی مثل تابلو، ستون‌های هخامنشی بر روی دیوار، کتاب شاهنامه و دیوان حافظ در کتابخانه و کتاب‌های مذهبی مانند قرآن، مفاتیح‌الجنان و نهج‌البلاغه در کتابخانه، در کنار هم (رابطه همنشینی) نشان‌دهنده توجه تصویرگران به اهمیت توجه به هر دو بعد است.

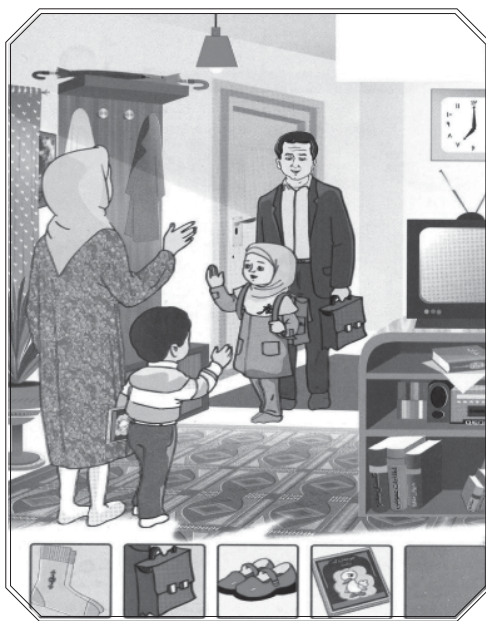
در سطح دوم جمع بودن همه اعضا در کنار هم انسجام خانوادگی را نشان می‌دهد. ساعت روی دیوار خانه اوایل شب را نشان می‌دهد؛ یعنی زمانی را که معمولاً همه اعضای خانواده در کنار هم جمع می‌شوند. حضور جای و میوه به‌عنوان اقلامی که معمولاً در جمع‌های خانوادگی یا دوستانه ایرانی صرف می‌شود در این تصویر جالب توجه است. در این تصویر پدر و مادر (نه فقط مادر) هر دو منبع آموزشی و پرورشی برای فرزندان نشان داده شده‌اند. البته این، نکته‌ای است که در موارد دیگر نیز در کتاب نشان داده شده، مانند درس «در بازار» که مادر دخترش را با اصناف مختلف در بازار آشنا می‌کند و یا مانند درس «مثل خورشید» که پدر به آموزش رابطه زمین و خورشید و ماه می‌پردازد. لازم به ذکر است اگرچه در این دو مثال پدر و مادر، هر دو، درگیر آموزش فرزندان خود هستند، اما می‌توان گفت که پدر به آموزش مباحث علمی، یعنی آموزش، و مادر به آموزش امور روزمره، یعنی پرورش مشغول است. نکته دیگر اینکه در این نگاره، پدر نیز دیده می‌شود و با چهره‌ای خندان در کنار خانواده در حال رسیدگی به امور فرزندش است. لباس پوشیده شده بر تن پدر لباسی ساده و بدون هیچ طرح و نقش و به رنگ سفید است؛ رنگی که نشان‌دهنده یکرنگی و بریدن از تعلقات است. چهره پدر مردی سی و چندساله را نشان می‌دهد که با مهربانی مشغول خواندن کتاب برای پسرش است. رنگ لباس همه اعضای خانواده روشن و شاد است؛ ضمن اینکه پارچه لباس مادر گل‌دار است و بر جذابیت تصویر می‌افزاید. نگاه امین و آزاده به کتاب‌هایی که در دستان پدر و مادر است نگاهی کنجکاوانه است. در کنار اعضای خانواده، وجود تلویزیون و رادیو ضبط نقش پررنگ رسانه‌های جمعی را در خانواده نشان می‌دهد. تلویزیون بر روی کمده کوچک قرار دارد و در کمد کتاب‌هایی مانند نهج‌البلاغه، شاهنامه، اطلاعات عمومی، مفاتیح، فرهنگ معین، دیوان حافظ و... چیده شده است. تنوع کتاب‌های موجود در این قفسه نیز نکته‌ای است که نباید از ذهن دور داشت. همان‌طور که دیده می‌شود کتاب‌ها از هر نوعی مثل ادبی، دینی، عمومی و... انتخاب شده‌اند (رابطه همنشینی). در بالای همه کتاب‌ها قرآن قرار دارد که بالا بودن آن نسبت به سایر کتب و همچنین پارچه‌ای که زیر آن قرار دارد احترام خاص خانواده به قرآن

را نشان می‌دهد. رنگ سبز جلد قرآن نیز می‌تواند نشانه تقدس و معنویت آن باشد؛ از این نظر رنگ سبز «دال» و مفهوم «معنویت و تقدس» مدلول است.

یکی از مفاهیم ایدئولوژیک به‌کاررفته در این تصویر، همان‌طور که اشاره شد، مفهوم انسجام است که به نحوی بارز در ارتباط اعضای خانواده نشان داده شده است. همچنین می‌توان به مقبولیت والدین (هم پدر و هم مادر) برای فرزندان اشاره کرد. این تصویر به‌نوعی سعی در نفی پدرسالاری دارد؛ چراکه پدر و مادر و (و نه فقط پدر) به‌عنوان افرادی دانا، محل مراجعه فرزندان نشان داده شده‌اند که خود مؤید تصویر یک خانواده منسجم است.

نگاره دوم کتاب اول همان خانواده را نشان می‌دهد، درحالی‌که آزاده و پدرش دارند از خانه خارج می‌شوند.

کتاب فارسی اول ابتدایی - نگاره اول - ص. ۵



همان‌طور که در تصویر نشان داده شد آزاده به مدرسه می‌رود و پدر به سرکار. لباس پدر کت و شلوار و یک پیراهن ساده است، ضمن آنکه کیفی نیز در دست دارد. کت و شلوار لباس رسمی برای حضور در اماکن رسمی مانند محل کار است. به‌عبارت‌دیگر بیننده تصویر از ظاهر مردی که کت و شلوار پوشیده و کیفی در دست دارد، بدون هیچ توضیحی از قصد او برای رفتن به سرکار مطلع می‌شود. مادر نیز به همراه پسر کوچک خانواده در خانه می‌ماند؛ یعنی در این تصویر زن در خانه می‌ماند و از فرزندان نگهداری می‌کند. به‌عبارت‌دیگر و در سطحی عمیق‌تر این تصویر نشان‌دهنده کلیشه «زن خانه‌دار» است و در نشان دادن این کلیشه

از اصل طبیعی‌سازی استفاده شده است. به این معنا که خانه‌دار بودن زن و کارکردن مرد در بیرون از خانه طبیعی تلقی شده است. به‌علاوه این تصویر نشان‌دهنده نوعی تقسیم‌کار بین زن و مرد است. همان تقسیم‌کاری که از دیدگاه کارکردگرایانی مانند پارسونز موجب استحکام خانواده بوده و وجود آن برای حفظ نظام خانواده لازم است. همچنین ایدئولوژی پدرسالاری که زنان را محدود در خانه و مردان را نان‌آور قلمداد می‌کند در این تصویر قابل توجه است.

در این تصویر که قطع بزرگ آن، نقشی محکم بر ذهن دانش‌آموز سوم ابتدایی حک خواهد کرد، به جزئیات خانه و خانواده آقای هاشمی توجه زیادی شده است. در این تصویر خانواده هاشمی

کتاب تعلیمات اجتماعی - سال سوم دبستان - ص. ۳



یعنی پدر، مادر، دختر و پسر به همراه مادر آقای هاشمی نشان داده شده‌اند که در کنار هم در حال صرف چای و میوه هستند. آقای هاشمی در حال مطالعه روزنامه، مادر در حال نوشیدن چای و مادر بزرگ در حال بافتن یک لباس است. در پشت سر پدر کتابخانه‌ای دیده می‌شود که کتاب‌هایی در رنگ‌ها و اندازه‌های مختلف در آن قرار دارد. قرار دادن تابلوی «الله» بر روی دیوار و تصویری از حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری بر روی کتابخانه، نشان‌دهنده توجه تصویرگران به پاسداشت

ارزش‌های اسلامی است. وجود تلویزیون در کنار اعضای خانواده نشان‌دهنده این است که رسانه‌های ارتباط جمعی امروزه به‌عنوان یک عضو از خانواده تلقی شده و در فرایند اجتماعی شدن افراد نقش دارند. درج این تصویر در اولین درس علوم اجتماعی که سبب می‌شود کودک در دوره تحصیل خود با آن آشنا شود، می‌تواند نشان‌دهنده اهمیت نهاد خانواده برای نویسندگان و تصویرگران کتاب باشد.

در این تصویر، تمام اعضای خانواده لباس‌هایی با رنگ‌های شاد پوشیده‌اند و دیوارهای خانه نیز آبی‌رنگ است. استفاده از رنگ آبی برای دیوار خانه می‌تواند نشان‌دهنده این باشد که خانه محل آرامش است. حضور همه اعضای خانواده در کنار یکدیگر نشان‌دهنده وجود همدلی و همبستگی بین افراد است. علاوه بر اینکه به سبب تنوع رنگ محیط، بیننده احساس آرامش می‌کند. همچنین چهره‌های خندان و رنگ‌های متنوعی که برای لباس اعضای خانواده استفاده شده است (رابطه همنشینی) در کنار هم تصویری امن و آرام و شاد از خانواده در ذهن کودک بر جای می‌گذارد. در این تصویر در لباس مادر

و مادر بزرگ نیز به میزان زیادی از رنگ آبی استفاده شده که می‌تواند القاکننده آرامشی باشد که زنان (مادران) قادر به ایجاد آن در خانواده هستند.

یکی از مفاهیم به‌کاررفته در این تصویر مفهوم انسجام است. نفس حضور پدر و در کنار اعضای خانواده تأثیر زیادی بر ذهن کودک می‌گذارد و او، خانه و نهاد خانواده را با تمام اعضای آن به ذهن خواهد سپرد. تصویر اعضای این خانواده از این جهت نیز جالب توجه است که مادر بزرگ، یعنی مادر آقای هاشمی، نیز در کنار آن‌هاست. گویی تصویرگران از این طریق به نوعی الگوسازی در ذهن کودکان می‌پردازند. این در حالی است که امروزه در بیشتر خانواده‌های ایرانی پدر بزرگ و مادر بزرگ اعضای اصلی خانواده نیستند. سؤالی که در اینجا باید پرسید این است که معرفی خانواده در شکلی که ما به ازای خارجی ندارد صحیح است؟

این نکته نیز قابل توجه است که تقریباً در تمام تصاویری که اعضای خانواده هاشمی به تصویر کشیده شده‌اند، همه اعضا در کنار هم هستند؛ حتی اگر یکی از آن‌ها در تصویر هم نیامده باشد، در متن درس می‌توان حضور او را حس کرد. در خانه، در مسیر حرکت از کازرون به نیشابور، در شهرهایی که بین مسیر از آن می‌گذشتند، حتی وقتی مریم در مشهد گم می‌شود نیز همه خانواده (نه فقط پدر) به جست‌وجوی او پرداخته و او را پیدا می‌کنند. در تمام داستان، حضور پدر و مادر، با هم در کنار فرزندان حس می‌شود. جواب سؤال‌های مریم و علی را مادر و پدر می‌دهند. هیچ‌کدام به تنهایی راهنمایی کودک را بر عهده ندارند، بلکه با هم به آموزش ارزش‌های دینی، مهارت‌های اجتماعی و تکمیل اطلاعات جغرافیایی فرزندان خود می‌پردازند. مثلاً اگر مادر برای ثبت‌نام با دخترش به مدرسه مراجعه می‌کند، پدر هم برای ثبت‌نام پسرش اقدام می‌کند. البته این تصاویر می‌توانند حاوی کلیشه‌های جنسیتی نیز ارزیابی شوند که پیام آن همانندسازی با والد هم‌جنس و فاصله گرفتن از لزوم پرورش آندروژنی باشد. در این خانواده نقش‌های هر یک از اعضا پذیرفته و تقسیم شده به نمایش درمی‌آید.

در سایر تصاویر کتاب، حتی در مواردی که از تصویر خانواده هاشمی استفاده نشده است، تصاویری انتخاب شده که در حد امکان همه اعضا را در کنار هم نشان می‌دهد و این می‌تواند اهمیت انسجام خانوادگی را در ذهن کودک بالا ببرد.

همچنین می‌توان گفت که این تصویر از جهات مختلف به بیان مفهوم جنسیت و مردسالاری می‌پردازد. اینکه پدر روزنامه می‌خواند و مادر بزرگ بافتنی می‌بافد، حاکی از این باشد که مردان و زنان در زمان فراغت فعالیت‌های متفاوتی را انتخاب می‌کنند؛ مردان به اموری می‌پردازند که دانسته‌هایشان را بیشتر کند و در مقابل زنان به فعالیت‌های کاملاً مفید علاقه‌مند نشان داده می‌شوند.

در تصویر موردنظر، در پشت علی دو ماشین دیده می‌شود که نشان می‌دهد او از اسباب‌بازی‌های پسرانه استفاده می‌کند و به عبارت دیگر اجتماعی می‌شود.

۲-۲ مفهوم همکاری

یکی از تصاویری که مفهوم همکاری را نشان می‌دهد تصویر درس «در طبیعت» در کتاب فارسی اول است:

اگر با دقت به تصویر نگاه کنیم کشاورزانی را می‌بینیم که در دوردست‌ها مشغول درو کردن محصول خود هستند. پس به نظر می‌آید خانواده‌هایی که در تصویر نشان داده شده‌اند از شهر، برای گذران اوقات فراغت به بیرون از شهر آمده‌اند. موضوع اصلی درس مربوط به حضور خانواده در دل طبیعت است. در نگاه اول خانواده‌ای دیده می‌شود که در آن پدر و پسر سوار بر قایق هستند. پدر ماهی‌گیری می‌کند و پسر به قوها غذا می‌دهد. مادر و دختر نیز در کنار چادر هستند. مادر غذا را روی آتش گذاشته و قصد ریختن

کتاب فارسی اول ابتدایی - درس «در طبیعت» - ص. ۴۵



چای دارد. دختر نیز چهار لیوان برای همه اعضای خانواده آماده کرده است و به مادرش کمک می‌کند. رنگ برگ‌های درختان و نوع پوشش افراد نشان می‌دهد که فصل پاییز است. اگر کمی دقیق‌تر به این تصویر بنگریم می‌بینیم که نوعی تقسیم‌کار بین اعضای خانواده وجود دارد. مثلاً زنان، حتی هنگامی که برای تفریح به بیرون از خانه می‌روند، در خدمت به خانواده‌اند. در حالی که سایر اعضا، خصوصاً مردان و پسران، در همان تصاویر حال استراحت و تفریح نشان داده شده‌اند. تصویر درس «دریا» در همین کتاب نیز مؤید این مطلب است. در این درس می‌بینیم که اگرچه استکان‌های چای در مقابل تمام اعضای خانواده است، اما این مادر است که استکان را از سینی برداشته و به دست پدر می‌دهد.

حتی در تصاویری که مشارکت همه اعضا در کنار هم نشان داده می‌شود به مردان نقش‌های مردانه‌تر و آگذار شده است؛ مانند نگاره «به‌به چه روستایی» که در آن زن و مرد و دختر و پسر در حال انجام کار هستند. پدر خانواده سوار بر تراکتور است، مادر علفه دام‌ها را در دست دارد. زنی دیگر هم که شاید مادر بزرگ یا دیگری باشد مشغول قالی‌بافی است. دختر خانواده نیز شیر گوسفندان را می‌دوشد و پسر هم به او کمک می‌کند. در تصویر دیگری که باز هم خانواده‌ای را در طبیعت نشان می‌دهد پدر در حال روشن کردن آتش و نصب چادر است. مادر هم در حال آماده کردن وسایل غذاست.

در واقع می‌توان گفت که در این تصاویر پدر در رأس خانواده قرار داده شده که به‌نوعی حکایت از «پدرسالاری» و یا «مردسالاری» دارد، و البته به‌نحوی است که از دید بیننده طبیعی به‌نظر می‌رسد. تصویر درس «همکاری» نیز از جمله تصاویری است که مفهوم همکاری و مشارکت را به‌خوبی نشان می‌دهد:

کتاب فارسی اول ابتدایی - درس «همکاری» - ص. ۶۴



این تصویر آشپزخانه را نشان می‌دهد که مادر در حال شستن ظرف است. دختر خانواده نیز قندان را پر از قند می‌کند و پدر هم سینی چای در دست دارد و در حال خارج شدن از آشپزخانه است. این تصویر نه‌فقط از جهت نشان دادن همکاری همه اعضا قابل توجه است، بلکه از نظر مشارکت پدر در امور عرفاً زنانه جالب است. رنگ لباس‌های اعضای خانواده همه شاد و بیشتر رنگ‌های گرم است. حالت چهره آن‌ها رضایتمند است و به‌نظر می‌آید مشغول پذیرایی از مهمان هستند. ایده موردنظر در این تصویر انسجام و رضایتمندی است.

تصویر بعدی که همکاری اعضای خانواده را نشان می‌دهد تصویر خانواده هاشمی در کتاب اجتماعی سال سوم دبستان است:

کتاب تعلیمات اجتماعی - سال سوم ابتدایی - درس «خانواده» - ص. ۱۲



در این تصویر، مادر در حال خیاطی، مادر بزرگ مشغول آماده کردن مواد غذایی برای پخت غذا و مریم در حال جارو کشیدن است. علی نیز سبزی در دست دارد که نشان می‌دهد از خرید آمده است. نکته مثبتی که این درس درصدد آموزش آن است این است که دانش‌آموزان بدانند انجام کارهای خانه تنها وظیفه مادر و پدر نیست و نه فقط دختران بلکه پسران هم باید در کارها کمک کنند. در متن درس

هم به این نکته اشاره شده است. در متن درس آمده: «در این خانواده همه به هم کمک می‌کنند، آقای هاشمی وقتی از اداره برمی‌گردد برای خانواده خرید می‌کند. طاهره خانم علاوه بر کارهای خانه، خیاطی می‌کند و درآمدی را که از راه خیاطی به دست می‌آورد، برای مخارج خانه صرف می‌کند. مادر بزرگ در پختن غذا و پاک کردن سبزی به طاهره خانم کمک می‌کند...» این جملات همکاری تمام اعضا را نشان می‌دهد؛ اما نکته اینجاست که با وجود اینکه همه در کارهای خانه کمک می‌کنند، باز نوعی تقسیم کار بین زنان و مردان وجود دارد. مردان (و پسران) انجام کارهای بیرونی مربوط به خانه و زنان (و دختران) کارهای مربوط به داخل خانه را انجام می‌دهند. ایده غالب در این تصویر نیز انسجام است.

۲-۳. مفهوم مادری

مهم‌ترین نقشی که در کتاب‌های دوره ابتدایی به زنان داده شده نقش مادرانه است. در این کتاب‌ها تصاویر زیادی مادران را در حال مراقبت، نگهداری و آموزش به فرزندان نشان می‌دهد، مانند تصویر مربوط به بخش «ببین و بگو» در درس «مثل گل» در کتاب سال دوم. این درس با لالایی مادری آغاز می‌شود که می‌خواهد دختر کوچکش را بخواباند. ادامه درس گفت‌وگوی مادر با پسر است که درباره خواهر کوچکش سؤال‌هایی می‌کند. پس از این درس تصاویری از مادری که از فرزندش، از هنگام به دنیا آمدن تا زمان رفتن به مدرسه نگهداری می‌کند، نشان داده شده است:

کتاب فارسی سال دوم ابتدایی، درس «مثل گل»،
بخش بین و بگو

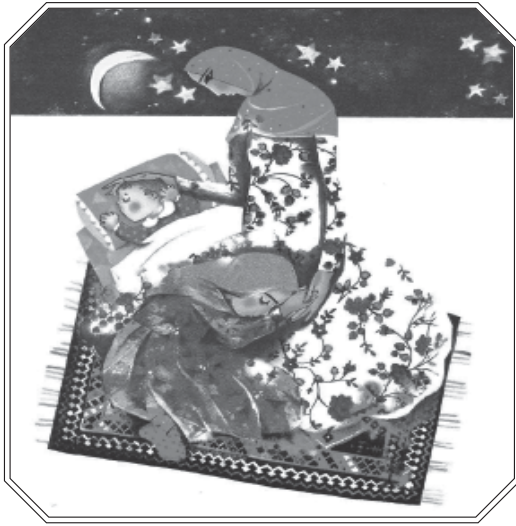


در این تصاویر مادر با چهره‌ای آرام دیده می‌شود که می‌تواند القاکننده مهربانی و آرامش او باشد. در تصویر (۱) مادر مشغول خواباندن کودک خردسالش است. تصاویر (۲) و (۳) بازی کردن بچه را نشان می‌دهد که به‌نوعی نشان‌دهنده بزرگ شدن آن کودک است. در تصویر (۴) مادر دارد به کودک کمک می‌کند تا روی پای خود بایستد و راه برود. در تصویر (۵) مادر به کودکش در درست کردن کاردستی کمک می‌کند و در تصویر (۶) پسر در حال رفتن به مدرسه است. در تمام این تصاویر مادر، حضوری همیشگی، چهره‌ای گشاده و آرام دارد و لباس‌هایش رنگ آبی دارند. رنگی که هم زمانی آن با تصویر مادر، آرامش مادرانه را به دانش‌آموزان القا می‌کند. باز هم در این تصویر رنگ آبی نشانه است و با استفاده از الگوی سوسوری می‌توان گفت که آبی دال و آرامش مدلول آن است.

تصاویر دیگری نیز این نقش مادرانه را به‌خوبی نشان داده‌اند، مانند تصویر زیر، در کتاب سال سوم، که مادری را نشان می‌دهد درحالی‌که دو فرزندش در کنار او به خواب رفته‌اند. این تصویر در شکل شماره ۴-۱۰ نمایش داده شده است. در این تصویر آسمان شب با ماه و ستاره‌ها جلوه‌نمایی می‌کنند. ترسیم این تصویر در فضای شب منتقل‌کننده سکوت و آرامش فضا به دانش‌آموز است. همان‌طور که مشاهده می‌شود مادر بر زمین نشسته است و لباسی سفید با گل‌هایی شاد بر تن دارد. دامن لباسش بلند و مانند دشتی پر از گل است که دخترش بر آن آرمیده است. یک دست مادر در دست دختر و دست دیگر او بر سر پسر کوچکش است. رنگ غالب در این تصویر نیز رنگ آبی است که وجود آن به همراه نشان دادن شب، آرامش حاکم بر این تصویر را منتقل می‌کند (رابطه همنشینی). لباس پسر کوچک و لباس دختر آبی است. دستان مادر که بر سر و فرزندانش نشان داده شده است در هاله‌ای از رنگ آبی فرورفته است؛ گویی آرامش حضور مادر به آن‌ها منتقل شده است. همراه بودن مفهوم «مادری»، رنگ «آبی» و «آرامش» سه ضلع مثلثی است که در تصاویر

مادرانه، همواره با هم نشان داده شده‌اند (رابطه همنشینی). می‌توان گفت آبی دال است و آرامش مدلول آن.

کتاب فارسی سال سوم ابتدایی، ص. ۳۵



در شعر «در چشم‌های مادر» در کتاب سال چهارم نیز این موارد به وضوح دیده می‌شود. رنگ غالب در این تصویر نیز آبی است و چهره مادر پر از آرامش و صورت کودک مملو از شادی ناشی از حضور در آغوش مادر است. متن شعری که در این درس آمده نیز همین موضوع را تأیید می‌کند.

کتاب فارسی سال چهارم ابتدایی، درس چهارم، ص. ۲۷



بی‌شک، از آنجا که نقش مادر در زندگی کودکان خصوصاً در سال‌های دبستان بسیار تأثیرگذار است، زنان در هر شغل و با هر درجه‌ای از سطح سواد که باشند لازم است به نقش مادری خود اهتمام ویژه‌ای داشته باشند. اینجاست که نقش زنان در جامعه بسیار سنگین می‌شود؛ زیرا یک مادر خوب می‌تواند در کنار نقش مادری در سایر نقش‌های اجتماعی و اقتصادی خویش نیز موفق عمل کند. علی‌رغم اینکه این نقش‌ها مغایر یکدیگر نیستند، نقش مادری در کتاب‌های درسی پررنگ‌تر از سایر نقوش دیده شده است.

■ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ■

پس از بررسی تصاویر موردنظر در کتاب‌های دوره ابتدایی، اطلاعات زیر به دست آمد:

- انسجام خانوادگی و حضور همه اعضا در کنار هم در تصاویر مورد بررسی جالب توجه است. تصاویر زیادی وجود دارد که همه اعضا را با هم در محیط کار نشان می‌دهد؛ مانند تصویری که همه افراد حتی پدربزرگ و مادربزرگ در کنار خانواده دیده می‌شوند و در کارهای خانه مشارکت می‌کنند. خانواده، مرجع پاسخ‌گویی به سؤالات کودکان، مأمنی برای کسب آرامش در کنار اعضای خانواده و محل تفریح و شادی نشان داده شده است.

- یکی از نکات مثبتی که در این کتاب‌ها وجود دارد و به نظر می‌رسد عامدانه به آن پرداخته شده باشد توجه به نقش «مادری» است. بیشترین نقشی که در این کتاب‌ها به حق به زنان محول شده نقش مادر است. در تصاویری که مادران در آن به نمایش درآمده‌اند، و خصوصاً تصاویری که موضوع آن مادر است، زیبا نشان دادن مادران و القا شدن آرامش و امنیت در کنار آن تأثیر زیادی بر ذهن کودکان خواهد گذاشت. در این تصاویر رنگ غالب معمولاً آبی است و مادران با چهره‌ای گشاده و خندان نشان داده شده‌اند. از نگاه نشانه‌شناسی استفاده از رنگ آبی نشانه آرامش است. به عبارت دیگر رنگ آبی (دال)، تداعی‌کننده مفهوم آرامش (مدلول) است. باید توجه کرد که نشان دادن زنان در نقش مادری نه تنها کم‌ارزش جلوه دادن زنان نیست، بلکه بالا بردن اهمیت زن در خانواده است؛ زیرا حضور زن در خانه و در کنار فرزندان از نظر عاطفی بر تربیت کودکان تأثیر زیادی دارد. شغلی که زنان انتخاب می‌کنند نیز باید این ویژگی را داشته باشد که به حضور آن‌ها در خانه و مادر بودنشان لطمه نزند. البته این به معنای این نیست که زنان لزوماً باید خانه‌دار باشند تا مادر خوبی باشند. شرکت زنان در فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که از هر حیث مناسب باشد نه از نظر اسلام و نه از نظر قانون منع نشده است. مهم این است که به کودکان آموخته شود مادر بودن فی‌نفسه دارای ارزش است. ارزشی که زنان را از ترقی باز نمی‌دارد.

- همان‌طور که گفته شد استفاده از رنگ در تصاویر کتاب‌های کودکان از اهمیت زیادی برخوردار است. رنگ‌های استفاده‌شده در کتاب کودک باید به‌گونه‌ای باشد که

علاقه کودک را به مطالعه کتاب بالا برده و جذابیت زیادی داشته باشد.

- یکی از نکاتی که لازم است تصویرگران و مؤلفان کتاب‌ها به آن بپردازند به تصویر کشیدن بیشتر زنان در خانواده و همزمان، نشان دادن آن‌ها در محیط اجتماع است. از نقاط ضعف موجود در کتاب‌های فارسی و تعلیمات اجتماعی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند این بود که به دلیل پردازش کم و یک‌جانبه زنان در اجتماع، عملاً تعدادی از کتاب‌ها از دایره بررسی این پژوهش خارج شدند، زیرا تصویری که نشان‌دهنده نقش جامعی از زن و مرد در خانواده، همکاری خانوادگی و مادری باشد در آن‌ها دیده نشد. در سایر کتاب‌ها نیز عمده تصاویری که از زنان به نمایش درآمده بود بیانگر حضور آنان در نقش «مادر» بود. باید در نظر داشت که اگرچه نقش «مادری» اهمیت بسیار بالایی دارد اما حضور زنان در سایر عرصه‌های زندگی اجتماعی نیز مهم است. کتاب‌های درسی باید تصویری جامع و کامل از زنان ارائه دهند تا ذهنیت کودکان به درستی شکل پذیرد.

■ پیشنهادها ■

- به نظر می‌رسد لازم است مؤلفان و تصویرگران، کتاب‌های فارسی و تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی را با نگاهی جامع و دربرگیرنده مؤلفه‌های جنسیتی و با توجه به اطلاعات به دست آمده در این تحقیق و امثال آن، مورد بازنگری قرار دهند.
- پیشنهاد می‌شود کتاب‌های درسی دوره جدید با کتاب‌های دوره‌های قبل مقایسه شود تا نتایج این مقایسه بتواند راهگشای مؤلفان در بازنگری کتاب‌ها باشد.

منابع

- آقاجانی، زهرا. (۱۳۸۵). *بازنمایی ایرانیان در فیلم سینمایی بدون دخترم هرگز* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- احمدی، بابک. (۱۳۸۸). *از نشانه‌های تصویری تا متن*. تهران: نشر مرکز.
- امیری، کیومرث. (۱۳۷۸). *تحلیل محتوای ارزش‌های معرفی‌شده در کتاب‌های درسی دوره دبیرستان در سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۵۲ و ۱۳۷۶-۱۳۷۲* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- اعزازی، شهلا. (۱۳۷۰). تضاد میان آموزش و پرورش و جامعه، بررسی کتاب فارسی اول دبستان. *فصلنامه علوم اجتماعی* (۲ و ۱) ۵۵-۸۰.
- چندلر، دانیل. (۱۳۸۶). *مبانی نشانه‌شناسی* (ترجمه مهدی پارسا). تهران: انتشارات سوره مهر. (اثر اصلی در سال ۲۰۰۲ چاپ شده است).
- خوش‌نظر، نادیه. (۱۳۹۰). *بازنمایی اسلام در فیلم‌های سینمایی غرب قبل و بعد از ۱۱ سپتامبر*. نشانه‌شناسی فیلم‌های محاصره و غیرقابل تفکر (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- ویمر، راجر دی و دومینیک، جوزف آر. (۱۳۸۴). *تحقیق در رسانه‌های جمعی* (ترجمه کاوس سیدامامی). تهران: انتشارات سروش.
- ریتز، جورج. (۱۳۷۴). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر* (ترجمه محسن ثلاثی). تهران: انتشارات علمی.
- زابرتسون، یان. (۱۳۷۷). *درآمدی بر جامعه با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی*، ستیز و کنش متقابل نمادی (ترجمه حسین بهروان). مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- سفیری، خدیجه و ایمانیان، سارا. (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی جنسیت*. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- ضمیران، محمد. (۱۳۸۲). *درآمدی بر نشانه‌شناسی هنر*. تهران: نشر قصه.
- علاقه‌بند، علی. (۱۳۷۴). *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*. تهران: نشر بعثت.
- فیسک، جان. (۱۳۸۰). *فرهنگ تلویزیون* (ترجمه مژگان برومند). *فصلنامه ارغنون*، ۱۹، ۱۲۵-۱۴۲.
- جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۹). *فارسی سال اول تا پنجم ابتدایی*. تهران: اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی.
- جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۹). *تعلیمات اجتماعی سوم تا پنجم ابتدایی*. تهران: اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی.
- گیلدنز، آنتونی. (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی* (ترجمه منوچهر صبوری). تهران: نشر نی.
- محسنی، نیک‌چهره. (۱۳۵۴). *بررسی محتوای کتب درسی دوره ابتدایی*. *روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۱۱، ۱۸-۵۰.

پی‌نوشت‌ها

۱. اشاره به این سخن حضرت علی علیه‌السلام در نامه خود به امام حسن مجتبی علیه‌السلام: العلم فی الصغر کالتقش فی الحجر «یادگیری در کودکی مانند حکاکی بر سنگ است».

2. Trustworthiness